

## انحطاط اسرائیل

مصاحبه با نهله شهال \*

کریس دن هوند و نیکلا کالاندر

تأثیر جنگ روی مردم لبنان چیست؟

– در لبنان لحظات بسیار سختی گذراندیم و این باعث شد که من چشم‌هایم را باز کنم. آگاهی سیاسی من پس از شکست سال ۱۹۶۷ شکل گرفت. پدرم عضو حزب کمونیست لبنان و مادرم عضو حزب کمونیست عراق بود. مادرم در همان سال درگذشت و پدرم نیز در پی همین شکست دچار سکتۀ قلبی شد.

رژیم‌های عرب در آن دوران می‌کوشیدند شکست را کم‌اهمیت جلوه دهند و می‌گفتند این شکست کوچکی است. اما برای ما در سراسر منطقه، یک دوران بود که به پایان می‌رسید.

در وجدان ما ناسیونالیست‌ها یا کمونیست‌های عرب، هدف از وجود اسرائیل این بود که مانع از آن شود که اعراب بتوانند ذات و موجودیت خود را تحقق بخشند و به عنوان یک نیروی منطقه‌ای، یا به عنوان یک جامعه سر بلند کنند. از آن پس، انحطاط منطقه‌ای عربی شروع شد. گفته می‌شد: «نمی‌توان در برابر اسرائیل مقاومت کرد. این غیر ممکن است.» این وضع ۴۰ سال است که ادامه دارد.

من این بخت بزرگ را داشتم که به چشم خود ببینم که سرکردگی و تفوق اسرائیل یک سرنوشت محتوم نیست.

اسرائیل اکنون پا به منطق «یا ما یا آنها» گذاشته است. من به این نکته واقفم که آنچه در آن زیسته ایم چیزی جز یک پرتو اندک نیست، اما همین ثابت کرد که با قدرت یک سازمان شبه نظامی کوچک، یعنی قدرت حزب الله که در مقایسه با دشمن به اندازه یک موش است می‌توان با فیل درافتاد. ده روز اول، همه دچار اضطرابی شدید بودند. اما ناگهان، وقتی معلوم شد که اسرائیلی‌ها نتوانسته‌اند پیشروی کنند، مردم پذیرفتند که بهای لازم را بپردازند و همین یک حادثۀ تاریخی است.

هدف آمریکا و اسرائیل این بود که مردم لبنان را دچار تفرقه کنند. چرا این هدف توفیق نیافت؟

– مردم لبنان از قبل دچار تفرقه بودند. بخش بزرگی از مردم مقاومت را دوست دارند اما آماده نیستند بهای آن را بپردازند. آنها گزینش خود را کرده‌اند و به اردوگاهی پیوسته‌اند که من آن را اردوی نولیبرالی می‌خوانم. طرح اسرائیل و آمریکا این بود که بخشی از مردم لبنان را به اقدام علیه حزب الله وادارند. این امر ممکن بود رخ دهد اگر حزب الله و احزاب دیگری که با او هستند توانایی مقاومت نداشتند. تأکید می‌کنم که حزب الله به هیچ رو در مقاومت تنها نیست.

## درباره مقاومت نظامی حزب الله چه قضاوتی دارید؟

- نکته ای هست که از سالها پیش در این بخش از جهان دیده نشده بود. مبارزان حزب الله از سر اعتقاد می جنگیدند. هرگز دیده نشده بود که طی یک روز، ۳۴ تانک اسرائیلی «مرکاواس» داغان شود. هرگز! هیچ ارتش عربی چنین شاهکاری نداشته است. حزب الله واقعاً خیلی خوب سازماندهی شده است.

اما آنچه مهم تر است اینکه مردم، یعنی پایه اجتماعی حزب الله، حول مبارزان خودشان جمع شدند. به پرستاری و مراقبت از مبارزان مبادرت کردند. علاوه بر این، سخنان حسن نصرالله رهبر حزب الله تأثیر فراوان داشت. او چهار بار با مردم سخن گفت و گمان می کنم که سخنان وی ارزش زیادی در مطالعه علوم سیاسی داشته باشد.

## بازتاب های کلی این حوادث در منطقه چیست؟

- اعراب با اضطرابی که قلب آنها را می فشرد در انتظار بسر می بردند. هیأت های متعددی از اعراب به لبنان آمدند. آنها نقل می کردند که اعراب در چهار روز اول قلبشان به شدت به درد آمده بود زیرا گمان می کردند شکست در انتظار آنها ست.

از روز دهم به بعد، اعراب چیزهای دیدند که باورشان نمی شد. این به تدریج همه گیر شد. در مصر و در ارتش آن ناخشنودی فراوانی وجود دارد. و همین طور در ارتش سوریه. مردم می گویند: چطور ممکن است که حزب الله می تواند چنین کاری بکند؟ ما چطور؟ ما چه کرده ایم؟

به لحاظ تاریخی، نبرد حزب الله آغاز انحطاط اسرائیل و پایان اسرائیلی که کل منطقه را مرعوب کرده رقم می زند. گمان می کنم که بسیاری از اسرائیلی ها به این امر آگاه اند، به ویژه دوستان اسرائیلی ما که مخالف استعمار اند.

## ارزیابی سیاسی شما از حزب الله چیست؟

- من از موضع حزب کمونیست لبنان حرکت می کنم که دست در دست حزب الله عمل می کند. یک اتحاد همراه با انتقاد در قبال حزب الله. حزب کمونیست لبنان صریحاً به حزب الله می گوید: «اینجا اشتباه کرده اید». پس از سال ۲۰۰۰، حزب کمونیست لبنان نظرش این بود که حزب الله پیروزی [یعنی موفقیت در وادار کردن اسرائیل به عقب نشینی از لبنان پس از ۱۸ سال اشغال] را ضایع کرده، زیرا در سیاست داخلی لبنان، با دشمنان خویش کسانی که با آزادی لبنان مخالف بودند، یعنی نولیبرال ها، اتحاد نموده است.

من بین جنبش های اسلامی تمایزی قائلم. هیچ رابطه خویشاوندی بین بن لادن و حزب الله وجود ندارد. هیچگونه! وضع همان گونه است که در بین جنبش های چپ. ما و خمرهای سرخ چه رابطه ای داریم؟ از نظر من آنها فاشیست اند. بین اسلام گرایان فاشیست هم هست همانطور که بین افراد وابسته به جنبش های چپ، اما آدم های آزاد شده مترقی هم وجود دارد.

من به ستایش از حزب الله نمی پردازم. من نقاط ضعف آنها را هم می دانم. حزب الله به حد کافی آگاه نیست که یک جنبش «الهیات رهایی بخش» است، ولی این تنها حزب اسلامگرایی ست که در فوروم های اجتماعی جهانی و اروپایی شرکت می کند. از ۲۰۰۳ به بعد، همواره کسانی را برای شرکت در این فوروم ها فرستاده است. یک ائتلاف سیاسی و عملی بین حزب الله و حزب کمونیست لبنان و حزب

مردم (که یک حزب ناسیونالیست چپ است) وجود دارد. آنها بین خود ملاقات های منظم دارند و نقاط اختلافشان را هم پنهان نمی دارند. برای مثال، حزب کمونیست لبنان حزب الله را ملامت می کند که هرگز در تظاهراتی که برای مطالبات اجتماعی برپا شده شرکت نکرده، حال آنکه پایه اجتماعی آن ترکیبی است از فقرا، دهقانان، کارگران و خرده بورژوازی تنگدست لبنان. حزب الله گاه می گوید: «حق با شماست. ما در این باره به حد کافی آگاه نبوده ایم.»

باید حزب الله را همچون یک پدیده جوان که بسیار تحول پیدا می کند درک کرد. این بسیار مهم است. حزب الله همچنین جنبشی است که از جزم های موروثی آزاد شده است. ظرفیت آنها برای کارکردن با کمونیست ها، به نظر من، بسیار معنا دار است.

ترجمه فارسی برای اندیشه و پیکار

-----

\* خانم نهله شهاب هم‌آهنگ کننده کارزارهای مردمی بین المللی برای محافظت از مردم فلسطین است. وی در روزهایی که تجاوز اسرائیل علیه لبنان جریان داشت به مدت یک ماه در آنجا بسر برده است. وی در این مصاحبه حوادث اخیر را گزارش می دهد و تحلیل می کند.

منتشر شده در نشریه روز ارگان اتحادیه کمونیستی انقلابی LCR، یکشنبه ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۶

